

نگاهی به سنت لایروبی قنات در روستای دستجرده گلپایگان

دکتر محمد اخگری*

akhgari@web.de

درآمد:

فرهنگ زندگی جمعی در روستا که ریشه در پیشینه کهن تمدن ایرانی با تکیه بر زندگی کشاورزی دارد، فرهنگی عمیق و شکوهمند است که طی قرن‌ها سینه به سینه منتقل شده و به روزگار امروز رسیده است؛ روزگاری که متأسفانه فرهنگ شهرنشینی فارغ از توجه به سنت‌های پیشین الگوها و نمادهای خود را در جایی دیگر جستجو می‌کند و دهات و دهاتی در زبان شهرنشینان امروز مفهومی منفی یافته، به گونه‌ای که هرآن کس را که رعایت فرهنگ و انضباط اجتماعی نمی‌کند، بدین صفت‌ها خطاب می‌کنند، حال آنکه فرهنگ ریشه‌دار و اصیل ایرانی که قرن‌ها حیات فرهنگی این ملت کهن سال را موجب شده، هرگز ریشه در اسلوب‌ها و روش‌های دیگران نداشته و بر پیشینه خویش استوار مانده و رویده است. از این رو شناخت ریشه‌ها و آئین‌های درست و نظم و انضباط اجتماعی پیشینیان نه به معنی بازگشت به گذشته بلکه راهی است برای تدوین و تنظیم روش‌های نوین که با زندگی امروز متناسب باشند. برای این مهم شناخت فرهنگ گذشته و حکمت آداب و سنن اصیل ایرانی نخستین گام برای رسیدن بدین مقصود است.

در سرزمین ایران که سطح گسترده‌ای از آن را کویر و سرزمین‌های خشک تشکیل داده است، قنات و بیرون آوردن آب از دل زمین موجب آبادی و آبادنی شده است و هم از این روست که در زبان مردم روستا به ده یا روستا «آبادی» نیز می‌گویند. در منطقه گلپایگان نیز همچون دیگر مناطق ایران، قنات موجبات آبادی و آبادانی روستاهای آن را فراهم کرده و هر روستا یک یا چند قنات دارد.^(۱) بر کنار این قنات‌ها زمین‌های حاصلخیز کشت می‌شوند و زندگی روستائیان از آبیاری این زمین‌های حاصلخیز می‌گذرد که در آنها علاوه بر گندم، جو و صیفی‌جات، برخی میوه‌ها و باغ‌های انگور نیز پرورش می‌یابند. در این نوشتار به سنت لایروبی قنات در این منطقه و زوایای جالب و آموختنی آن می‌پردازیم.

* پژوهشگر و استاد دانشگاه

۱- در شهرستان گلپایگان ۷۲ رشته قنات وجود دارد. (رک. سایت فرمانداری گلپایگان)

در روزگار گذشته که وسایل و ابزارآلات صنعتی امروزی به کشاورزی راه نیافته بود، روستائیان در تمام مدت سال از وسایل اولیه کشاورزی همچون بیل، کلنگ، گاواهن، داس و غیره استفاده می‌کردند و طبیعی بود که انجام بسیاری از امور کشاورزی از توان یک نفر خارج باشد. به همین سبب کشاورزان باید به صورت نوبتی یکدیگر را در انجام کارها کمک می‌کردند^(۱) و از این رو روحیه کار جمعی و مشترک با زندگی آنها تنیده و پیوسته بود. از سوی دیگر علاوه بر انجام کارهای شخصی برخی منافع مشترک نیز انجام امور را به صورت جمعی اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. امور عمرانی و مشترک روستا همچون تعمیر و نگهداری از حمام، مسجد و یا آسیاب عمومی از جمله این امور بود، اما در این میان حفر و نگهداری از قنات و لایروبی آن به عنوان رگ حیات و آبادانی آبادی کاری مهم و همگانی به شمار می‌رفت. در این کار همگانی که همه حیات روستا به آن وابسته بود، چنانچه تعلل یا بی‌تفاوتی رخ می‌داد، بی‌گمان همه چیز از بین می‌رفت. اما پرسش اینجاست که چه فرهنگی در میان کشاورزان زحمت کش و با فرهنگ این دیار قرن‌ها حاکم بود که هر ساله با نظم و انضباط قنات لایروبی می‌شد و حیات و آب و آبادی ادامه می‌یافت. (ناگفته نماند که در زندگی آپارتمانی روزگار ما چند همسایه نمی‌توانند برای پرداخت قبوض مشترک با هم تفاهم داشته باشند).

برای انجام امور مشترک آبادی نظم و ترتیبی وجود داشت که این نظم و ترتیب قرن‌ها سینه به سینه به نسل‌های بعد منتقل شده بود^(۲) و رعایت این نظم و ترتیب که شاید به صورت قانونی نانوشته درآمده بود، بر همه واجب بود و هرکس بدون وجود ناظر یا قوه قهریه خود را ملزم به رعایت آن می‌دانست. هرکس به میزان بهره‌ای که از آب می‌برد، برای قنات کار می‌کرد و باور داشت که اگر به میزان بهره‌ای که می‌برد کار نکند، استفاده از آن آب برای او حرام است و چنانچه می‌خواهد محصولی که برداشت می‌کند برکت داشته باشد و حلال باشد، باید حقوق دیگران را رعایت کند. اما در کنار این تقوای درونی که مرد صادق روستایی بدان پایبند بود، نظم و ترتیبی که از گذشته به جای مانده بود نیز زمینه عدالت را فراهم می‌کرد و هیچ کس در انجام کارهای آبادی فکر نمی‌کرد که بر او ظلم شده است، چراکه هر کس به اندازه بهره‌اش از آب کار می‌کرد. ابوبکر محمدبن‌الحسن‌الحاسب‌الکرجی (قرن چهارم هجری) در کتاب انبساط المیاه الخفیه یا "استخراج آبهای پنهان" به چگونگی حفر قنات و چاه‌های قنات و نیز نحوه تشخیص زمین‌هایی که آب دارند، می‌پردازد و باب آخر کتابش را به نگهداری کاریز از خرابی اختصاص می‌دهد و می‌نویسد: "نگهداری قنات به این است که لایروبی شود و پاک بماند، مخصوصاً توجه به مظهر قنات لازم‌تر است، چه در آن گل بیشتر جمع می‌شود و بر بستر آن خزه می‌روید. (الکرجی: ۱۳۴۵، ۱۲۰) "وی سپس توصیه می‌کند که در آغاز هر سال قنات باید از رسوبات لایروبی شود. (همان، ۱۲۱) برای لایروبی نظم و ترتیبی لازم است که در اینجا از آن با عنوان "سنت لایروبی قنات" نام می‌بریم. این سنت بسیار جالب و دقیق است و همه محاسبات آن بر اساس ساعات روز و شب و ساعات بهره گرفتن از آب مشخص شده و نکات بسیاری برای آموختن دارد که در اینجا به اختصار این سنت - آنگونه که در

۱- به کمک کردن متقابل روستائیان به یکدیگر در گلپایگان «دست به دستی» می‌گویند.

۲- واژگان و اصطلاحات رایج در این سنت (همانگونه که در ادامه گزارش می‌شود) حکایت از دیرینگی این سنت در دل تاریخ کهن ایران زمین دارد.

روستای دستجرده رایج است^(۱) - تشریح می‌گردد:

نظام لایروبی قنات بر اساس نظام آبیاری و میزان بهره‌گیری از آب قنات تنظیم می‌شود، از این رو باید نخست نظام آبیاری تشریح گردد.

دوره آبیاری در روستا ۸ روزه است،^(۲) یعنی اینکه دارندگان آب قنات هر هشت روز یکبار به صورت دوره ای نوبت آب دارند تا از آن استفاده کنند. همان‌گونه که زمین بر اساس واحد جریب خرید و فروش می‌شود، آب قنات نیز بر اساس ساعت استفاده از قنات طی دوره هشت روزه خرید و فروش می‌شود و در سند زمین قید می‌گردد، بنابراین هر فرد می‌تواند به اندازه ساعتی که به او ارث رسیده و یا خریداری کرده، استفاده کند. ساعات استفاده از آب قنات در دوره ۸ شبانه‌روزی ثابت است. تقسیم‌بندی آب، بر اساس تقسیم شبانه‌روزی است. هر شبانه‌روز ۲۴ ساعت است که در اصطلاح محلی شنده روزه (šende ruze) خوانده می‌شود و نصف ۲۴ ساعت مدت زمان روز یا شب، ۱۲ ساعت است که طاق (tâq) نامیده می‌شود. بنابر این تقسیم‌بندی، ساعات آب در دوره ۸ روزه به واحدهای ذیل تقسیم می‌شود:

- رشن (rašn) یک دوره ۸ شبانه‌روزی: ۱۹۲ ساعت

- شنده روز (شبانه‌روز): ۲۴ ساعت

- طاق (نصف شبانه‌روز): ۱۲ ساعت

- شعیر: ۲ ساعت (در اصطلاح مردم آبادی، آب قنات ۹۶ شعیر است).

- حبه: نیم ساعت

قبل از فرارسیدن فصل بهار و معمولاً در اواخر اسفند ماه^(۳)، ریش سفیدان آبادی روزی را برای تعیین و تنظیم ساعات آبیاری تعیین می‌کنند و همه شرکای آب قنات را خبر می‌کنند تا در مسجد آبادی جمع شوند تا به اصطلاح آب را "رشن"^(۴) کنند. "رشن کردن"، یعنی اینکه

- ۱- روستایی در فاصله ۱۴ کیلومتری شمال گلپایگان با حدود ۶۰۰ نفر سکنه و یک رشته قنات ۶ کیلومتری که بسیار پرآب است و زمین‌های وسیع این روستا را سیراب می‌کند. «جرد» در انتهای نام این روستا معرب «گرد» است و گرد از «کند» گرفته شده، زیرا نخستین ساختمان‌ها با کندن غارها ساخته شده‌اند و نام‌هایی چون دستجرد، دارابگرد و... از این نوعند. رک. فریدون جنیدی، مجموعه مقالات کرمان شناسی (۱۳۶۹)
- ۲- در سالهایی که بارش کم است با یک نسبت دقیق ریاضی دوره را ۱۲ روزه می‌کنند تا هر فرد به نسبت آب بیشتری بگیرد.
- ۳- احتمالاً ۱۸ اسفند ماه

۴- رشن روز ۱۸ هر ماه شمسی است. (رک. فرهنگ معین ذیل واژه). رشن یا رشنو (rašnu) در اوستا، ایزد دادگری و عدالت است و روز هجدهم هر ماه ویژه رشن ایزد است. رشن به معنی داد و عدالت است. رشن ایزد همه جا هست و بر همه چیز ناظر است. (رک. زرتشت، پیامبر ایران باستان، نوشته هاشم رضی) در لغت نامه‌ها از رشن نیز نام برده شده است: رشن. دهانه جوی و رود. (ناظم الاطباء) (آندراج) (منتهی الارب) (از اقرب الموارد) (موعد شرب). (ناظم الاطباء). ریشه این واژه که به ادبیات اوستایی می‌رسد، نشان از قدمت این سنت دارد.



مشخص کنند؛ ساعات آب هرکس به دلخواه خودش در کنار آب کدام شخص باشد. (یا به اصطلاح "هم آب" باشند).

برای این کار افرادی که مجموع ساعات آبشان ۱۲ ساعت می شود - و دوست دارند کنار هم باشند - همدیگر را پیدا می کنند و با هم یک طاق را درست می کنند و بعد افراد دو طاق که دوست دارند با هم باشند، یک شبانه روز را مشخص می نمایند. وقتی افراد به دلخواه خود به گونه ای با هم هماهنگ شدند که مجموع ساعات آبشان ۲۴ ساعت شد، در آن صورت یک شبانه روز تشکیل شده است. به عنوان مثال کسی که ۴ ساعت آب دارد، باید با یک نفر که ۸ ساعت دارد، یک طاق را تشکیل دهد و یا با چند نفر دیگر که در مجموع ساعات آبشان ۱۲ ساعت گردد، طاق را تشکیل دهند. پس از مذاکرات فراوان،

افرادی که با یکدیگر دوستی و مراودات و همخوانی دارند، با یکدیگر "هم-آب" می شوند و شبانه روزها مشخص می گردد. افرادی که در یک شبانه روز هستند یک نفر را به عنوان نماینده معرفی می کنند که سرطاق (sar tâq) گفته می شود. سپس بر اساس قرعه تعیین می گردد که اولین شبانه روز در تقویم آبی مختص به کدام گروه است. اولین شبانه روز را در اصطلاح سررشنی (sar rašni) می گویند. بعد دومی، سومی، چهارمی، پنجمی، ششمی، هفتمی و سرانجام هشتمی. اسامی افراد بر اساس اینکه رشن آنها چندم است و در کدام طاق و شبانه روز قرار دارند، یادداشت می شود و اصطلاحاً "رشن نامه" تنظیم می گردد و همه نوبت خودشان را به یاد می سپارند. سپس توافق می شود که از چه روزی دوره ۸ روزه آغاز شود و یا به اصطلاح "بر سر رشن" می روند. در هر شبانه روز نیز برای بار اول قرعه کشی می کنند که کدام طاق، روز آبیاری کند و کدام طاق، شب؛ از آن پس برای هشت روز بعد این کار به نوبت خواهد بود، یعنی گروه دوازده ساعته ای که آب را روز گرفته اند، هفته بعد شب آبیاری می کنند و گروهی که شب آبیاری کرده اند، برعکس. بنابراین همه چیز درست و دقیق تقسیم بندی می شود.

برای آبیاری چند مبدأ تعیین می شود:

مبدأ تاریخی: تعیین تاریخ شروع آبیاری، پس از پایان بارندگی (چون در زمستان آبیاری نمی کنند) یا به عبارتی تعیین آغاز تقویم سال آبی که با توافق شرکا و در یک جلسه مشخص می شود.

مبدأ زمانی: مبدأ زمانی طلوع آفتاب است. برای استفاده از نور روز و افزایش بهره وری، در هر دوره ۸ روزه، زمان تحویل آب از یک شبانه روز به شبانه روز دیگر، زمان طلوع خورشید است. بنابراین طلوع خورشید توسط افرادی که می خواهند آب را از شبانه روز قبل تحویل بگیرند، رصد می شود و ساعتشان را به اصطلاح "آفتاب کوک" می کنند، یعنی ساعت صفر با طلوع آفتاب تنظیم می شود. وقتی ۱۲ ساعت تمام شد، طاق بعدی که نوبت شب است آبیاری را آغاز می کند. این تناسب و تنظیم بر اساس روشنایی روز، باعث می شود که هر

روز با کوتاه شدن شب و بلندتر شدن روز ساعت هم جلو کشیده شود^(۱) و کسانی که نوبت شب هستند در روزهای بلند تابستان ، از روشنایی روز هم استفاده کنند. البته در درون هر دوازده ساعت نیز اینکه چه کسی اول شب یا وسط و یا آخر شب آبیاری کند، به شیوه نوبتی خواهد بود.

مبدأ مکانی: آب از اول آبادی یعنی جایی که قنات^(۲) به جویهای مختلف برای آبیاری زمین ها در جهات مختلف وصل می شود، تقسیم بندی می شود. این نقطه را به اصطلاح "بند" یا "آب بست" می گویند. ساعت آبیاری هر فرد - به میزان ساعت مالکیت - از زمانی که آب از "آب بست" به سمت زمین هایش روانه می شود، محاسبه می گردد. بنابراین اگر مسافت زمین فرد با آب بست، زیاد باشد، مدت زمانی به طول می انجامد تا آب به زمین برسد اما ساعت آبیاری از لحظه ای که آب از آب بست روانه می شود ، محاسبه می گردد. از این رو اگر زمین نفر بعدی در کنار زمین فرد مذکور باشد ، برای آن که فرد اول - به سبب زمانی که سپری شده است تا آب به زمینش برسد - متضرر نشود، باید به اندازه آن زمان (زمان رسیدن آب از آب بست به زمین) صبر کند. به مدت زمانی که طول می کشد تا آب به زمین برسد ، "راه آب" (râh-âb) می گویند. معمولاً میزان دقیق راه آب توسط افراد معتمد و به صورت تجربی محاسبه می گردد و برای آنکه اختلافی پیش نیاید در صورت تردید و شک ، زمان دقیق با حضور افراد دقیقاً محاسبه می گردد.

بنابراین تقسیم بندی و نظام نوبت بندی کاملاً دقیق و بر اساس ساختاری مشخص و با حضور و اعلام نظر همه افراد انجام می پذیرد. لایروبی قنات و جویها نیز بر همین اساس و با توجه به ساعت آبی که فرد آن را مالک است، مشخص می شود، بدین معنا که هر کس ساعت آب بیشتری داشته باشد باید تعداد نفر / روز کارگری که برای قنات کار انجام می دهد، بیشتر باشد.

بعد از فصل زمستان و در اوایل بهار قبل از لایروبی قنات باید جویهای آب اصلی که اصطلاحاً بدانها شاه جوی (šâh-joy) یا در لهجه محلی شا - جوغ (šâ-juq) می گویند، لایروبی شوند. سرمای هوا و ریزش خاک های اطراف جویها لایروبی آنها را لازم می سازد، از این رو باید نخست جویها لایروبی و اصطلاحاً رفته (rofte) شوند.

برای نظم بخشیدن به کارهای قنات هر ساله یک نفر به عنوان مسئول انجام کارهای قنات از میان اهالی انتخاب می شود و چنانچه همه از عملکرد او راضی باشند و خودش نیز تمایل به ادامه کار داشته باشد، مأموریت او تمدید می گردد. طبیعی است که هر کار جمعی نیاز به مدیر دارد. برای انتخاب مدیر ابتدا افرادی داوطلب می شوند و بعد پس از شور و مشورت یکی از آنها انتخاب می گردد. فردی که انتخاب می شود باید منظم، مودب و قابل اعتماد باشد و با کسی رودر بایستی نداشته باشد. ضمناً نباید مشغله کار شخصی اش زیاد باشد، چراکه باید برای انجام امور محوله وقت کافی داشته باشد. به این فرد در اصطلاح محلی سرکار (sar-kâr) می گویند. سرکار در واقع

۱- بنابر این جلو کشیدن ساعت برای استفاده از نور روز در سنت آبیاری پیشینیان سابقه دارد.

۲- اولین نقطه ای که آب قنات به نزدیکی آبادی می رسد و هنوز دست هیچ کس به آن نرسیده و آب زلال و دست نخورده است. سرآبان یا در اصطلاح محلی سرآبون (sarâbun) می گویند. در قدیم زنان روستا، کوزه ها را برای آب آشامیدنی از سرآبان پر می کردند.

مدیری است که کارهای قنات (سرکشی به قنات در طول سال)^(۱) و از جمله لایروبی جویها و قنات را اداره می کند. از آنجا که خبر کردن همه شرکا از عهده یک نفر بر نمی آید، او همه کارها را از طریق سرطاقها (نمایندگان انتخابی هر شبانه روز) به اطلاع شرکای قنات می رساند. بنابراین نخست در یک جلسه عمومی تاریخ جوی رویی مشخص می شود. سپس سرکار قنات به سرطاقها (که هشت نفر هستند) اطلاع می دهد که از شبانه روز دو نفر کارگر برای کار قنات بفرستند؛ یعنی هر ۱۲ ساعت یک نفر. سرطاق نیز با هماهنگی با افراد و مالکان شبانه روز به نوبت و براساس ساعات آب، افرادی را می فرستد. صبح روزی که کار لایروبی شروع می شود، کارگرها در میدان آبادی و مقابل مسجد جمع می شوند. سرکار فهرست شرکا و اینکه آب آنها در کدام شبانه روز است را در دست دارد. به این فهرست دقیق اصطلاحاً رشن نامه (rašn-nâme) گفته می شود.

سرکار از روی رشن نامه می خواند که از هر شبانه روز چه کسانی آمده اند، نام آنها را یادداشت می کند و بعد برای شروع کار به آب بست می روند. برای شروع کار سرکار به هر نفر چند متر برای لایروبی می سپارد و پس از تقسیم کار، بر نحوه انجام کار آنها نظارت می کند. او ۱۶ نفر کارگر دارد و باید طی ۸ روز تا ۱۲ روز (بستگی به میزان خرابی جویها) کار را تمام کند. مسافتی که هر روز باید تمیز شود، تقریباً به صورت سنتی مساوی و از قبل تعیین شده است. اگر از یک شبانه روز کارگر یا به اصطلاح محلی "مرد کار" یا "آدم کار" نیاید یا کمتر بیاید، برای بار اول به سرطاق مربوطه تذکر داده می شود و در صورت تکرار به اهالی گفته می شود و فرد ناچار است زیر فشار حرف اهالی و برای گریز از شماتت آنها خودش را با جمع هماهنگ کند. لایروبی جویها معمولاً اوایل فروردین و قبل از شروع تقویم سال آبی انجام می پذیرد.

پس از لایروبی جویها نوبت به زدن خزه های قنات - که در اصطلاح محلی خرّه (xarre) یا گره (gorreh) نامیده می شود - می رسد. سرکار قنات، با موافقت اهالی محل، روز شروع کار را که معمولاً اواخر اردیبهشت ماه است تعیین می کند. از آنجا که وقتی آب گل آلود است و خزه ها در آن هستند، سرعت آب بیشتر است و این آب در آبیاری سرعت بیشتری دارد و مساحت بیشتری را نسبت به ایام معمولی سال آبیاری می کند، باید همه اهالی به نسبت خود از این آب استفاده کنند، لذا اصطلاحاً آب را "طاق و نیم طاقی" می کنند، یعنی اینکه همه شرکا نصف ساعات آب خود از آب استفاده می کنند. زدن خزه ها ۴ روز طول می کشد و ساعات ۸ روزه به چهار روز کاهش می یابد و بعد از انجام کار دوباره رشن به روال سابق خود باز می گردد.

چند هفته بعد از آن نوبت به لایروبی قنات می رسد. از آنجا که برای لایروبی قنات کارگران باید داخل آب بروند، معمولاً زمانی که هوا کمی گرمتر شده است (یعنی اواخر خرداد ماه) برای این کار انتخاب می شود. قنات را از آخر به اول لایروبی می کنند، یعنی از محل آب بست کار لایروبی شروع می شود و کار به سمت جلو یعنی چاهای قنات ادامه می یابد. در نزدیکی آب بست عمق آب بیشتر است اما

۱- الکرچی درباره ضرورت وجود شخصی ناظر بر امور چاه می نویسد: دیگر از ضروریات حفظ قنات این است که نگاهی تعیین شود تا در هر ماه یک مرتبه به درون آن رود و اطراف و جوانبش را به دقت بررسی کند. (الکرچی، ص ۱۲۱)

افراد می‌توانند از درون آب گلها و خزه‌ها را مستقیماً بر شانه‌های مسیر قنات که اصطلاحاً به آن پون (pun) می‌گویند، بریزند. کار لایروبی قنات دو "هشت" یا ۱۶ روز طول می‌کشد. ۸ روز اول که دیواره‌های قنات کوتاه‌تر است، نیاز به کارگر کمتری دارد. از هر شبانه‌روز یک نفر برای کار فرستاده می‌شود. اما از روز نهم که قنات عمق بیشتری یافته است و باید گل و لای از ته قنات به بالا کشیده شود نیاز است که چند نفر نیز در دیواره‌ها مستقر شوند و گل و لای را به نفری که بالاتر از آنها ایستاده، بدهند تا سرانجام گل به بالا برسد. گاه چهار نفر کارگر با فاصله چند متر بالای سر هم قرار می‌گیرند و گل از چاله اول به چاله بالاتر ریخته می‌شود. از این رو در این مواقع به کارگر بیشتری نیاز است و لایروبی قنات به اصطلاح ۳۲ نفری می‌شود. یعنی از هر شبانه‌روز ۴ کارگر برای قنات فرستاده می‌شود.

کار کارگران در قنات نیز دارای اسلوب خاص خود است. هر روز دو بخش کاری دارد: صبح و عصر. در ابتدای هر بخش کاری سرکار می‌پرسد که چه کسانی داوطلب هستند که داخل آب بروند. کار داخل آب سخت‌تر است و نیاز به قدرت بدنی بیشتری دارد. از این رو افراد قویتر داخل آب می‌روند و گل و لای را درون چاله‌ای که کنار آب است می‌ریزند. معمولاً چند ردیف چاله از کنار آب تا بالای دیواره قنات کنده می‌شود. افراد داخل آب گل و لای را در چاله اول می‌ریزند. فردی که کنار آب است، گل‌ها را در چاله بالای سر خود و فرد دوم در چاله سوم بالای سر خود و در نهایت به چاله آخری می‌ریزد. این کار به صورت سلسله‌مراتبی ادامه پیدا می‌کند. وقتی گل‌های آن محدوده تمام شد، باید همین نظام در مسافتی جلوتر برقرار شود. از این رو چون کار کسی که در چاله کنار آب هست، سخت‌تر است، او به چاله آخر می‌رود و فردی که بالای قنات بوده و کارش ساده‌تر بوده، کنار آب می‌آید. به این روش تعویضی اصطلاحاً "کلاغ پر" می‌گویند.



زدن خزه‌های قنات علاوه بر بهار یکبار دیگر نیز در مهرماه و هنگام بذریابی انجام می‌شود. گاه در فصل بهار و یا پائیز آب را برای کسانی که از قنات شریک نیستند اما به هر حال زمین‌های بی‌آب را کشت کرده‌اند، به اصطلاح "میان" یا میون (miyun) می‌کردند. آب را میان کردن یعنی اینکه کسانی که سهمیه آب ندارند به میزانی که لازم دارند از آب قنات استفاده کنند و به هر میزان که لازم دارند آب را از سرکار بخرند. پولی که از این راه حاصل می‌شود، در واقع برای کارهای عمرانی قنات که نیاز به پول داشت استفاده می‌گردد و یا هزینه زحمات سرکار قنات را تأمین می‌نماید. لازم نبود سرکار قنات در ازای آبی که استفاده می‌کند کارگر بفرستد و حتی می‌توانست روزهایی که در قنات کار می‌کند خودش به

عنوان کارگر یکی از شرکا به حساب آید و مزدش را از فرد مورد نظر بگیرد و بدین شکل زحمات او نیز جبران می‌شود. آنچه بیان گردید گزارشی از یک کار مهم و دسته‌جمعی در روستاست. این کار دسته‌جمعی و نحوه انجام آن بسیار دقیق و حساب شده است و پیشینیان حساب همه نکات و دقایق و ظرایف آن را نموده‌اند. این سنت سابقه‌ای کهن دارد. و روایت‌ها و خاطراتی که پیران کهن‌آبادی نقل می‌کنند از این حکایت دارد که قنات بارها ریزش کرده و مردم با توافق و همدلی آن را از نو ساخته‌اند و تعمیر نموده‌اند. متأسفانه هرچه فناوری و ابزارهای مکانیکی امروز کشاورزی و زندگی انسان را ساده کرده‌اند، دور شدن از باورها و سنت‌های گذشته روحیه کار جمعی را در زندگی ما از بین برده است. سنت لایروبی قنات به عنوان یک عمل گروهی و اجتماعی، نشان از فرهنگی غنی و ریشه‌دار در حوزه کار گروهی و مسئولیت‌پذیری دارد. بنابراین درس‌هایی را که می‌توان از این سنت کهن گرفت، به ترتیب ذیل خلاصه می‌گردد:

- **مشاوره و همفکری:** مردم روستا وقتی می‌خواهند زمان لایروبی و حتی استفاده از قنات را مشخص کنند در جلسه‌ای با حضور ریش‌سفیدان با تجربه ده این کار را انجام می‌دهند و به یک تصمیم جمعی می‌رسند.

- **تعیین زمان برای انجام کارها:** با توجه به تغییرات آب و هوایی که در سالهای مختلف متفاوت است، تعیین زمان برای انجام کارها نیز با آن تناسب دارد و کاملاً ثابت نیست. به عبارت دیگر مردم روستا در این کار سنتی بر تغییر و در نظر گرفتن شرایط آب و هوایی تأکید دارند و جوانب امر را هر سال متناسب با آن در نظر می‌گیرند.

- **استفاده بهینه از روشنایی روز و بالا رفتن بهره‌وری:** شاید برخی چنین بپندارند که تغییر ساعت به منظور استفاده بهینه از نور روز را غربیان برای نخستین بار برگزیده‌اند اما نگاهی گذرا به چگونگی فعالیت آبیاری در روستا به منظور استفاده بهینه از نور روز نشان می‌دهد که در این سنت کهن، مردم، مبدأ زمانی کار خود را طلوع آفتاب مشخص می‌کردند و بالطبع هر هفته با توجه به بلندتر شدن روزها در بهار این ساعت مبدأ تغییر می‌کرد، بدین ترتیب در تابستان که روزها بلند تر بود، بخشی از ساعات نوبت شب نیز از روشنایی روز استفاده می‌کردند. و در پائیز که روزها کوتاه می‌شد بالطبع فقط ساعت‌های کمی از نوبت روز به شب کشیده می‌شد. این نظام نشان می‌دهد که پیشینیان در فرهنگ گذشته برای استفاده بهینه از زمان و نور روز کاملاً تأمل و تدبیر کرده‌اند.

- **رعایت انضباط و مسئولیت‌پذیری:** اینکه همه مردم به این قواعد پایبند باشند اصلی مهم در حیات این روند تا زمان ماست. چنانچه افراد می‌خواستند به نوعی از وظیفه خود سر باز زنند و یا شانه خالی کنند، بالطبع قنات و رگ حیات اقتصادی روستا ادامه پیدا نمی‌کرد. کمتر کسی را می‌توان یافت که به دنبال راهی برای سر باز زدن از کار گروهی باشد. گاه پیرمردانی که خودشان توانایی کار نداشتند و کارگری هم برای نوبت خود پیدا نمی‌کردند آنچنان غمگین می‌شدند که گویی خطایی بزرگ مرتکب شده‌اند و بلاخره آنقدر تلاش می‌کردند تا کسی را به عنوان "مرد قنات" (کارگری که برای لایروبی قنات می‌رود) پیدا کنند.

- **نظام کاری عادلانه و دقیق:** این نظام کاری گویی توسط کارشناسان متخصص تنظیم شده است، چراکه اولاً همه جوانب کار سنجیده

شده و در هیچ موردی بر کسی ظلمی روا نمی‌شود. بالطبع در چنین نظامی هیچ کس ناراضی نخواهد بود و همه با همدلی برای عمران آبادی کار می‌کنند.

- مشارکت مردم در تصمیم‌گیری: در این نظام هر ساله فرد می‌تواند جای خودش را تغییر دهد، یعنی اگر ببیند کسی که در شبانه‌روز با او "هم‌آب است، با وی هماهنگی ندارد و با هم مشکل دارند، سال بعد می‌تواند با افراد دیگری هم‌آب شود. بنابراین همه چیز با نظر جمع و با رضایت آنها و با توافق با آنها تعیین می‌شود، طبیعی است که در چنین نظامی فرد خود را سهم می‌داند و فعالانه نیز مشارکت می‌نماید.

این سنت کهن و دیگر سنت‌های دیرپای که طی سالیان سال مردم سرزمین ایران با آنها زیسته‌اند و در سایه همدلی و تلاش آب را از فرسنگها راه و از دل خاک برای کشت و زرع بر روی زمین آورده‌اند، نکات بسیاری برای آموختن دارد، اما دریغ که همچون سخن لسان‌الغیب آنچه را که خود داریم، از بیگانه تمنا می‌کنیم. قنات‌های پر آبی که امروزه جایشان را به موتورها و چاه‌های عمیق و نیمه عمیق داده‌اند، بی‌هیچ هزینه‌ای قرن‌های دشت‌های این سرزمین را آباد کرده‌اند و ثمره ابزارهای مکانیکی امروز، فقط سرسبزی مقطعی و نابودی طبیعت بوده است. جا دارد که فرهنگ گذشته ایران کهن سال را یکبار نه برای رجعت بی‌چون وچرا به آن، بلکه برای درس گرفتن و بنیان نهادن زندگی امروز بر پایه تجربه‌های گذشته مرور کنیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ:

- * عمده اطلاعات این مقاله از طریق مشاهدات نگارنده و مصاحبه با اهالی گردآوری شده است.
- الکرچی ، ابوبکر محمد الحسن الحاسب، *استخراج آب های پنهان*، ترجمه حسین خدیو جم، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵
- تفضلی ، احمد، *مینوی خرد*، تهران ، توس، ۱۳۸۵
- جنیدی ، فریدون، *مقالات کرمان شناسی*، ۱۳۶۹
- رضی، هاشم، *زرتشت، پیامبر ایران باستان*، تهران، بهجت، ۱۳۸۳

